

نگاه

درباره نخست‌وزیر جوان کانادا جاستین تروود کیست

● **شرق:** نام او در روزهای اخیر به دلیل حضور فعالش در تسلاای بازماندگان قربانیان کانادایی ایرانی-کانادایی قاجعه ساقط‌شدن هواپیمای اوکراینی در فضای عمومی ایران بر سر زبان‌ها افتاده است. جاستین تروود از ابتدای وقوع این حادثه به صف اول موضع‌گیری در این زمینه آمد و پس از اعلام رسمی اینکه علت سقوط هواپیمای شلیک پدافند سپاه پاسداران بوده است، هم در موضع‌گیری سیاسی و هم در تسلیت به بازماندگان، حضور برجسته‌ای داشت. نقش آفرینی او در همدردی با بازماندگان، البته چیزی متفاوت با وظیفه یک مقام ارشد کشوری داغدار نبود. از یک نگاه، رفتار او یادآور حضور جدی جاسیندا آردن، نخست‌وزیر نیوزیلند، در تسلیت به بازماندگان قربانیان حمله تروریستی به یک مسجد در این کشور بود که در تصاویری مشهور، با حجاب در میان خانواده‌های مسلمان عزادار حاضر شد.

تروود از جمله سیاست‌مدارانی است که از یک خانواده سیاسی می‌آیند. مانند جورج دبلیو بوش که با فاصله و بعد از پدرش جورج اچ دبلیو بوش، کرسی ریاست‌جمهوری آمریکا را کسب کرد، بیست‌وسومین نخست‌وزیر کانادا، فرزند پیر الیوت ترودویی بود که پانزدهمین نخست‌وزیر کشورش بود. پدر و پسر هر دو از حزب لیبرال کانادا می‌آمدند. حزب لیبرال در کانادا غلبه‌ای قاطع و طولانی‌مدت بر دولت در تاریخ این کشور داشته است و با حدود ۷۰ سال اداره کشور در قرن بیستم، در میان کشورهای توسعه‌یافته رکورددار بوده است، تا حدی که برخی این حزب را طبیعتاً حزب غالب سیاسی در این کشور می‌بینند. این حزب از نگاه برخی به عنوان حزب چپ میانه توصیف می‌شود. برخی معتقدند این توصیف بیشتر ناظر بر مواضع اجتماعی‌اش باشد، چراکه همان‌گونه که از نام حزب برمی‌آید، رویکرد اقتصادی حزب، لیبرال توصیف می‌شود، با این حال، نظام خدمات اجتماعی کانادا، به‌ویژه در بحث خدمات درمانی و به‌خصوص در گفت‌وگوهای سیاسی داخلی در میان دموکرات‌های چپ‌گرای آمریکا، به عنوان نمادی از سوسیالیسم و خدمت‌رسانی موفق اجتماعی مطرح می‌شود. طبیعتاً همین سیستم از سوی راست‌گرایان و جمهوری‌خواهان آمریکایی هدف حملات مختلفی که آن را ناکارآمد می‌خواند، قرار می‌گیرد. پیر الیوت تروود زمانی رویکرد حزب خود را «میانه رادیکال» می‌خواند.

تروودی پدر یک دوره ۱۱ساله از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ نخست‌وزیری را داشت و پس از یک فاصله اندک تقریباً یک‌ساله نخست‌وزیری جوزف کلارک، در ۱۹۸۰ دوباره این عنوان را در اختیار گرفت تا با حضور چهار ساله تا ۱۹۸۴، جمع دوران نخست‌وزیری خود را به ۱۵ سال برساند. جوزف کلارک که از یک حزب محافظه‌کار می‌آمد، با همین یک سال نخست‌وزیری که یک روز قبل از ۴۰سالگی‌اش آغاز شد و در اولین دوره ارائه‌ی‌بوده‌به به پارلمان را رای عدم اعتماد به پایان رسید، مانع از این شد که ۳۵ سال بعد پسر پیر الیوت با نخست‌وزیری در ۴۳سالگی، عنوان جوان‌ترین نخست‌وزیر تاریخ کشورش را به دست بیاورد.تروودی پسر، متولد ۱۹۷۱ که پله‌های ترقی را در سیاست به‌سرعت طی کرد، در سال ۲۰۰۸، در میانه دوران نخست‌وزیری ۹ساله استیون هارپر محافظه‌کار، به پارلمان کانادا راه یافت و فقط پنج سال بعد در ۲۰۱۳ که جایگاه رهبری حزب رسید، در سایه رهبری او، حزب لیبرال که در دوران افولی تاریخی با فقط ۲۶ کرسی از ۳۳۸ کرسی در جایگاه سوم به سر می‌برد، دو سال بعد یعنی در سال ۲۰۱۵ با رشدی که رکورد تاریخی را شکست، حزب خود را پیروز انتخابات کرد و خود به نخست‌وزیری رسید. دولت او البته چهار سال بعد در انتخابات سال گذشته میلادی با کاهش تعداد کرسی به دولتی اقلیتی تبدیل شد.

تروود در صحنه افکار عمومی غربی، به عنوان نخست‌وزیری که در مسائل اجتماعی رویکردی لیبرال دارد، در میان هواداران این رویکرد محبوبیت خوبی جلب و روندی شبیه به روند کسب محبوبیت باراک اوباما، رئیس‌جمهور جوان ایالات متحده را طی کرده است اما هم‌زمان از سوی برخی مخالفان به عوام‌گرایی و عوام‌فریبی متهم می‌شود، این اتهام از سویی به مواضع او برمی‌گردد و از سویی به برخی رفتارهای خرق عادت‌ی او مانند شکل و رنگ خاص جوراب‌هایش و نیز برخی از رفتارهای «جوانانه» در دوران رقابت‌های انتخاباتی از قبیل نمایش شوخی اقتضان از پله در مقابل دوربین‌های خبری، مقایسه با نخست‌وزیر قبلی که به موضع‌گیری‌های افراطی و گاهی نژادپرستانه نیز شناخته می‌شد، البته به محبوبیت تروودی جوان کمک کرده است.

از یک نگاه سیاست‌های کانادا در صحنه بین‌المللی و در دوران تروود، همراهی با رویکرد غالب غربی بوده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در مقابل آن ایستاده است، رویکردی چندجانبه‌گرا، میانه‌رو و متحد که زمانی اوباما پرچم‌دار آن بود. انتقادهای گه‌گاه این دو رهبر به هم تا حدی پیش رفته است که ترامپ تروود را «دورو» خوانده است. تروود نیز به‌تازگی در ادامه انتقادها به سیاست‌های ترامپ، تلویحا او را از مقصران سانحه هواپیمای اوکراینی در ایران دانست. تروود نیز مانند اوباما، به فاصله‌گرفتن از رویکرد‌های پیشین در قبال عربستان سعودی و اسرائیل «متهم» است، هر چند در عمل، کانادای او نیز مانند آمریکای اوباما، حامی این دو‌کشور است و البته در مقابل ایران رفتار می‌کند.

شرق، زینب اسماعیلی: رابطه تهران- اتاوا؛ رابطه چندان گرمی نبود و حالا بخ رابطه، غیرقابل شکستن به نظر می‌رسد. با شلیک به هواپیمای اوکراینی که سواران آن از چندین ملیت بودند و البته بیشترنشان کانادایی، به نظر نمی‌رسد فضای رابطه دو کشور در دورنمایی کوتاه‌مدت بهبود چندانی را شاهد باشد.

اما این اولین نوبت نیست که دو کشور چنین مرحله‌ای را می‌آزمایند؛

مسائل حقوق بشری و مسئله دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای یکی از اصلی‌ترین موضوعات مورد اختلاف دو طرف است که در موارد زیادی از سوی کانادا با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده. در سال‌های گذشته، اغلب کانادا پای ثابت طرح قطع‌نامه‌های حقوق‌بشری برای ایران بوده و عمدتاً تحریم‌های این بخش از سوی کانادا استارت می‌خورده است.

اما یک نکته اصلی در کشاکش همیشگی رابطه تهران- اتاوا، مسئله اتباع بوده و هستند؛ همان‌گونه که اکنون نیز موضوع اتباع ایرانی- کانادایی در جریان سقوط هواپیمای به مسئله روز رابطه دو کشور تبدیل شده است. آنچه البته می‌تواند در این بین از بدترشدن وضعیت پیشگیری کند، حل‌وفصل آسان مسائل کنسولی و برگزاری مراسم تشییع و تدویع پیکر اتباعی است که خانواده‌هایشان می‌خواهند در کانادا دفن شوند.

هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ شرکت هواپیمایی اوکراین با ۱۶۷ مسافر و ۹ خدمه پرواز صبح چهارشنبه، ۱۸ دی، تهران را به مقصد کی‌یف، پایتخت اوکراین، ترک می‌کرد که با شلیک یک موشک حوالی شهر جدید پرند سقوط کرد و همه مسافران آن جان باختند. ساعات اولیه صبح آن روز، عملیات موشکی ایران به سمت پایگاه آمریکایی «عین‌الاسد» در عراق انجام شده بود و به گفته مقامات سپاه، آسمان کشور در شرایط جنگی قرار داشت و اپراتور، این پرواز مسافربری را کروز تشخیص داده و این موشک به خطا اصابت شده است.

۶۳ کانادایی در پرواز بی‌فرجام

به گفته رئیس سازمان هواپیمایی، هواپیمای اوکراینی سانحه‌دیده دارای ۱۶۷ مسافر و ۹ نفر خدمه پروازی (اوکراینی) بوده است. ۱۴۶ نفر از مسافران دارای گذرنامه ایرانی، ۱۰ نفر دارای گذرنامه افغانستانی، پنج نفر دارای گذرنامه کانادایی، چهار نفر دارای گذرنامه سوئدی و دو نفر نیز دارای گذرنامه اوکراینی بوده‌اند. جاستین تروود، نخست‌وزیر کانادا، هم درباره هویت مسافران هواپیمای سانحه‌دیده گفته است ۱۳۸ نفر عازم کانادا بودند که از این تعداد، ۶۳ نفر کانادایی بوده‌اند. قرار است نشست تحقیقاتی در مورد علت سقوط هواپیمای روز پنجشنبه با حضور هیئتی از کانادا، اوکراین و انگلیس در لندن برگزار شود.

این در حالی است که جاستین تروود، نخست‌وزیر کانادا که شخصاً به بسیاری از بازماندگان حادثه سقوط سر زده و با آنها همدلی کرده است، در گفت‌وگویی با شبکه «گلوبال‌نیز» کانادا از آنچه در منطقه خاورمیانه رخ داده، انتقاد کرده و گفته: «اگر تنش‌ی در خاورمیانه وجود نداشت و اخیراً تنش‌ها در منطقه تشدید نمی‌شد، جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی اکنون زنده بودند». او البته گفته که «دولت کانادا تلاش می‌کند تا اجساد جان‌باختگان سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی هر چه سریع‌تر به کانادا بازگردند، اما این اقدام ممکن است هفته‌ها و «شاید ماه‌ها» به طول انجامد».

طبق گفته مقامات وزارت خارجه، در کانادا حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار ایرانی زندگی می‌کنند. کانادا یکی از کشورهایی است که سال‌هاست اتباع زیادی از ایران را پذیرفته و به آنها تابعیت کانادایی داده است. اما در دنبال قطع رابطه کانادا با ایران، اتباع برای مسائل کنسولی نیازمند تردد هستند و اغلب امور کنسولی خود را در کشورهای دیگر انجام می‌دهند. البته این نوبت و ماجرای تلخ هواپیمای اوکراینی شکل دیگری بود. اغلب آنها جوانانی بودند که برای ادامه تحصیل به کانادا می‌رفتند یا برای انجام جشن آغاز زندگی مشترکشان به ایران آمده و قرار بود در کانادا، آینده خود را بسازند؛ حدیث تلخ و دردناکی که بر جانمان نشسته است.

سال ۸۶ سیدمحمدعلی موسوی، سفیر وقت ایران، در مصاحبه‌ای که در روزنامه سرمایه منتشر شده بود، در مورد اتباع ایرانی در کانادا گفته بود که «حدود صد هزار ایرانی در شهر تورنتو زندگی می‌کنند. به جهت نسبت جمعیتی کانادا بیشترین جمعیت ایرانی در دنیا را دارد، چون از جمعیتش را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند که این نسبت در آمریکا کمتر از یک درصد است. ایرانی‌ها به جهت تحصیلات و اشتغال، ظرفیت بالایی در کانادا ایجاد کرده‌اند. نسبت این فرهیختگی بسیار بالاست. درواقع کانادا تلاش کرده تا نخبگان مالی و مغزی کشورهای مختلف را جذب و شرایطی فراهم کند که آنها به این کشور مهاجرت کنند و ثروتشان و اندوخته‌های علمی‌شان را به این سرزمین ببرند و به کار بیندازند».

۶سال قطع رابطه

ایران و کانادا هم‌اکنون در وضعیت قطع رابطه به‌سر می‌برند. ۱۷ شهریور ۹۱ (هفتم سپتامبر ۲۰۱۲) وزارت امور خارجه دولت تندرو وقت کانادا، سفارت خود در تهران را تعطیل کرد، درحالی‌که همان روزها در تهران بازار قطع رابطه با انگلیس داغ نبود؛ کانادا کارمندان



سفارت ایران در این کشور را «عنصر نامطلوب» توصیف کرد و به همه کارمندان سفارت ایران در خاک کانادا مهلت داد بعد از پنج روز خاک این کشور را ترک کنند. آنها همان زمان حضور ایران در سوریه و تلاش برای حفظ بشار اسد و برنامه هسته‌ای ایران را بهانه این قطع رابطه اعلام کردند.

با روی‌کارآمدن دولت روحانی در ایران و دولت جاستین تروود در کانادا و ابراز تمایل نخست‌وزیر جدید این کشور برای برقراری مجدد روابط بین دو کشور به نظر می‌رسید تمایل برای برقراری رابطه بین دو کشور وجود دارد، اما برخی اقدامات از سوی دولت کانادا، باز هم شروع روابط بین دو کشور را در تعلیق برد. از جمله این موارد می‌توان به رای دادگاه عالی اتاریو، مبنی‌بر پرداخت غرامت به قربانیان تروریسم از محل اموال غیردیپلماتیک تهران نام برد یا اقدامی دیگر، ایرانیان مقیم کانادا توانستند در انتخابات ریاست‌جمهوری رای بدهند و طرف کانادایی هم اعلام کرد که این به دلیل عدم اعلام از سوی دولت ایران بوده است.

مذاکراتی بی‌فرجام

اما دو طرف برای احیای رابطه تلاش‌هایی کردند. به موزات فعال‌بودن ایرانیان مقیم کانادا، دستگاه دیپلماسی در هر دو کشور مذاکراتی برای حل مسائل را آغاز کردند؛ مذاکراتی که دورنمای روشنی در آن دیده می‌شد، اما بی‌فرجام بود. محمد کشاورززاده، معاون وقت وزیر خارجه در حوزه آمریکا، به «شرق» توضیح داد: «کانادایی‌ها ابراز علاقه کردند که رابطه دو کشور را از سر بگیرند. این ابراز تمایل در دولت جدید کانادا انجام شده، اما مشکلی که کانادایی‌ها ایجاد کردند، این بود که مصونیت سیاسی نمایندگان ایران را لغو کردند؛ اگرچه مصونیت دیپلماتیک پابرجاست، اما تصویب این قانون در پارلمان این کشور که مصونیت سیاسی نمایندگان کشور ما را لغو کرده، موضوع را سخت کرده است. ما معتقدیم وضعیت ما در رابطه با کانادا باید به شرایط قبل از سال ۲۰۱۲ بازگردد». اشاره این مقام دیپلمات به زمانی است که کانادا رابطه‌اش را با ایران قطع کرد. همان زمان پارلمان کانادا، تصویب کرد که نمایندگان ایران در کانادا، مصونیت سیاسی ندارند و این اصلی‌ترین مانع برای حل‌وفصل موضوع به‌شمار می‌آید. مقامات دیپلماتیک است معتقدند که نمایندگان ایران در کانادا مثل دیگر کشورها باید طبق کنوانسیون وین از مزایای مصونیت سیاسی و دیپلماتیک به‌طور هم‌زمان برخوردار باشند.

محمد کشاورززاده، معاون وقت وزیر خارجه در امور آمریکا، سال گذشته در گفت‌وگو با «شرق» تأکید کرد که ایران به‌دنبال یافتن راهی برای حل‌وفصل مسائل کنسولی اتباع است؛ مسئله‌ای که به گفته او از طریق دفاتر حافظ منافع قابل حل نیست. اما در همین شرایط کانادا اقدام به مصادره چند ساختمان در کانادا کرد که متعلق به ایران بود. «چند ساختمان در حکم حقوقی دادگاه کانادا مطرح شده که یکی از آنها ساختمانی متعلق به وزارت علوم و ساختمان دیگری متعلق به سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی بوده که آنها مدعی‌اند این اموال دیپلماتیک نیست، ازاین‌رو مصادره شدند؛ اما ما این حکم را قبول نداریم و مطابق قوانین بین‌الملل و کنوانسیون وین، به این حکم اعتراض کرده و وکلای ما در حال پیگیری حقوقی موضوع هستند. این ساختمان‌ها کارکرد فرهنگی داشته و برای ترویج فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی استفاده می‌شد».

اولین تیر خلاص

۲۰ تیر ۸۲ یکی از نقاط عطف در تیرگی رابطه تهران- اتاوا بود؛ مرگ زهرا کاظمی در زندان اوین. خبرنگار دوتابعیتی که گفته شد به‌دلیل برخورد سر با جدول دچار ترک جمجمه و نهایتاً کما و مرگ شد. پرونده زهرا کاظمی یکی از موضوعاتی بود که ردپای سعید مرتضوی از ابتدا تا انتهای آن به چشم می‌خورد. دولت وقت چهار نفر از وزیران (وزیر دادگستری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر کشور و وزیر اطلاعات) را مأمور رسیدگی و بررسی این پرونده کرد.

اگرچه در دو دهه‌ای که از این حادثه گذشته است افراد مختلفی روایت‌های متفاوتی از این حادثه ارائه کرده‌اند، اما یک روایت بیش از دیگران صحنه را روشن می‌کند. محمدحسین خوشوقت که آن زمان معاون مطبوعات خارجی وزارت ارشاد را برعهده داشت حاضر به همکاری با مرتضوی برای جاسوس‌خواندن زهرا کاظمی نشد. او در مصاحبه‌ای با پروژه تاریخ شفاهی ایران در سال ۱۳۹۷ گفت که «براساس گزارش هیئت ویژه رئیس‌جمهور (سیدمحمد خاتمی)، کاظمی براساس سبلی یکی مأمور سرش به جدول برخورد می‌کند و دچار ترک می‌شود که به کما رفتن و درگذشت او انجامید». پرونده زهرا کاظمی یکی از غاضب‌ترین حوادثی بود که دولت اصلاحات را با خود درگیر کرد؛

دیپلماسی

ایران و کانادا او مسائل حادی که تاکنون داشته‌اند

از زهرا کاظمی تا هواپیمای اوکراینی



حادثه‌ای که به‌دنبال اتفاقات کوی دانشگاه تهران دولت خاتمی را از آنچه می‌خواستست در نمای بیرونی نشان دهد، متغیر کرد.

دولت اصلاحات به‌دنبال طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها بود. اما مرگ زهرا کاظمی در زندان و موج تخریب رابطه با کانادا و واکنش دیگر کشورها موجب شد رمقی برای طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها باقی نماند.

آغاز کار گزارشگر ویژه حقوق بشری

درباره واکنش کانادا به این موضوع همین‌قدر کافی است که کانادا بعد از این مرگ دردناک، طرح قطع‌نامه‌های حقوق بشری علیه ایران شد. «پیمانه هسته‌ای»، دیپلمات ایرانی که آن زمان در دفتر ایران در سازمان ملل کار می‌کرد و مسئول کمیته‌ای بود که موضوعات حقوق بشری را زیر نظر داشت، در گفت‌وگویی با «شرق» توضیح داد که «سه سال بعد از پیروزی انقلاب، بحث قطع‌نامه حقوق بشر درباره ایران مطرح شد. از همان زمان هر سال اتحادیه اروپا قطع‌نامه علیه ایران مطرح می‌کرد و ما سالی دوبار قطع‌نامه می‌گرفتیم... سال ۸۰ بود با راینزی‌های دوجانبه توانستیم قطع‌نامه را شکست دهیم و آن سال برای اولین‌بار بعد از انقلاب چنین اتفاقی نیفتاد و گفت‌وگوهای حقوق بشری با اروپا آغاز شد و ادامه داشت تا زمانی که اتفاق ناگوار مرگ خانم زهرا کاظمی رخ داد. درباره این موضوع پاسخ‌گویی ایران به اروپا و نهادهای مدنی به تأخیر افتاد. قوه قضائیه و دولت باید پاسخ می‌دادند که چه اتفاقی افتاده است. این سوءمدیریت موجب ملاحظات جدی در این زمینه شد. کانادا تصمیم گرفت بعد از دو سه سال علیه ما قطع‌نامه صادر کند. البته

فشار نهادهای داخلی کانادا بر سر خانم کاظمی انگیزه‌ای شد که دوباره کانادا بحث قطع‌نامه را پیش بکشد». به‌دنبال روند این قطع‌نامه‌ها بود که سازمان ملل، گزارشگر ویژه حقوق بشری علیه ایران تعیین کرد که گزارش‌هایش خود به مسئله‌ای جدی در حوزه حقوق بشر ایران تبدیل شده است.

سال ۹۶ یک تجربه تلخ دیگر در رابطه ایران و کانادا رقم خورد؛ مرگ کاووس سیدامامی در زندان اوین بار دیگر خاطره تلخ مرگ زهرا کاظمی را زنده کرد. سیدامامی، فعال محیط زیست و دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت‌علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق بود. سیدامامی تابعیت ایرانی- کانادایی داشت. پرونده‌ای که بهتر است بگوییم هنوز مفتوح است.

به دنبال این حادثه، کریستیا فریلند، وزیر امور خارجه کانادا، در بیانیه‌ای از وضعیت بازداشت و مرگ سیدامامی به‌شدت ابراز نگرانی کرد و گفت که کانادا بارها درباره این پرونده نگرانی خود را ابراز کرده است. در این بیانیه آمده است: «یک کانادایی جان خود را از دست داده است. ما انتظار داریم که دولت ایران اطلاعات و پاسخ‌های خود را درباره شرایط منتهی به این تراژدی در اختیار ما بگذارد». فریلند تأکید کرده که از تمام ابزارهای در اختیار دولت کانادا برای کسب اطلاعات بیشتر استفاده خواهد کرد.

اگرچه این واکنش دیپلماتیک بعد از هر اتفاقی دیده می‌شود، آن‌گونه که اکنون نیز بعد از حادثه سقوط هواپیمای تکرار می‌شود، اما آنچه از نظر دور می‌ماند، شرایطی است که کشور بعد از حوادثی این‌گونه تجربه می‌کند. درحالی‌که برای بهبود رابطه با دیگران و پویایی اقتصاد و تجارت نیازمند بهبود فضای بین‌المللی و نگاه کشورهای دیگر نسبت به ایران هستیم، چنین حوادثی فقط موجب تخریب فضا علیه کشور می‌شود. فضای بین‌المللی به‌شدت ایران‌هراس است و منابع متعددی در جهان بر این تصویر پافشاری می‌کنند. تنها دولتمردان خود کشور هستند که می‌توانند این تصویر را تغییر دهند.

در پی قطره‌ای آب بودند که زندگیشان را آب برد

حمایت از سیل زدگان سیستان و بلوچستان با همکاری جمعیت هلال احمر

شماره کارت: ۶۱۶۰۴ ۳۳۷۸ ۹۳۰۵ ۱۱۸۳
شماره حساب: ۴۰ ۷۰ ۲۷ ۰۶ ۵۰
بانک ملت به نام بنیاد نیکوکاران شریف

● **شرق:** فضای پرتنش و پرابهام روزهای اخیر زمینه انتشار یک شایعه شد. روز گذشته رسانه‌ها به نقل از یکی از خبرنگاران صداوسیما خبر دادند که سفیر بریتانیا در ایران به بریتانیا «فرار» کرده است. ادعاها درباره «فرار» راب مک‌ایر با نگاه به موضوع بازداشت ۱۵دقیقه‌ای او در حاشیه تجمع سوکوری برای قربانیان ساقط‌شدن هواپیمای اوکراینی در تهران مطرح و به‌سرعت در شبکه‌های اجتماعی پخش شد. شایعه مطرح‌شده این بود که در پی فشار برخی گروه‌ها و اعتراض آنها به حضور او در این مراسم که تا واکنش برخی نمایندگان مجلس نیز پیش رفته بود، او از ایران فرار کرده است. سفیر کمی بعد از بازداشتش بابت این حضور به وزارت خارجه احضار شده بود. اما کمی بعد منابع رسمی و رسانه‌های بریتانیا توضیح دادند که سفر سفیر به لندن به‌عنوان یک روند عادی اداری از پیش تنظیم‌شده بوده و او به تهران بازخواهد گشت. ایستا به نقل از ایندیندنت نوشت یک سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا چهارشنبه با تأکید بر اینکه سفر راب مک‌ایر به لندن از پیش برنامه‌ریزی شده بود، گفت که او قصد بازگشت به تهران را دارد. او در ادامه خاطرنشان کرد که بازگشت سفرا به کشور برای انجام راینزی و گفت‌وگو امری معمول است و به طور متداول اتفاق می‌افتد. روزنامه ایندیندنت همچنین نوشت که مک‌ایر برای گفت‌وگو درباره ماجرای بازداشتش به لندن سفر کرده است. نکته درخورتوجه درباره شایعه «فرار» سفیر این است که مک‌ایر به‌عنوان یک مقام دیپلماتیک از مصونیت‌های این جایگاه برخوردار است. از طرف دیگر، سفر سفیر بریتانیا در ایران به کشورش در حالی انجام می‌شود که در هفته‌های اخیر ایران یک نمونه ترور یک مقام نظامی‌اش در بغداد به دست آمریکا، یک نمونه حمله به پایگاه نظامی ایالات متحده در عراق و یک سقوط هواپیمای با حضور شهروندان بریتانیایی داشته است و مجموعه این اتفاقات، صحنه روابط بین‌الملل ایران را دستخوش تغییرات و فرازوفرودهای بسیار کرده است. شخص سفیر نیز به‌تازگی در ایران بازداشت و احضار شده است و این باعث پیچیدگی بیشتر در روابط دو کشور به طور خاص می‌شود. در چنین شرایطی غیرعادی نیست که سفیر بریتانیا به‌عنوان کشوری که متحد ایالات متحده نیز محسوب می‌شود، برای راینزی به پایتخت فرخوانده شود؛ حتی اگر ادعای وزارت خارجه بریتانیا مبنی بر هماهنگی این سفر از پیش، صحت نداشته باشد.

نیوکارات شریف
جای زان و کودکان بدسرپرست

۶۱۶۰۴-۰۲۱

sharifcharity.com

شماره مجوز: ۰۷/۲۵۶۰۷/۱۳۰ | شماره ثبت: ۲۳۲۵۵

عضو ویژه مشورتی
شورای اجتماعی،
اقتصادی سازمان ملل

عضو برنامه‌های
سازمان ملل متحد

WE SUPPORT
THE GLOBAL COMUNIT

سیستان